

نام و نام خانوادگی: .....  
پایه: چهارم  
نام پدر: .....  
شماره داوطلب: .....  
تعداد صفحه سؤال: ۲ صفحه

جمهوری اسلامی ایران  
اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران  
اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۵ تهران  
پیش دبستان و دبستان غیردولتی دخترانه  
ارزشیابی عملکردی نوبت دوم سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

نام درس: املا  
نام دبیر: خانم آرزو بابائی  
تاریخ امتحان: ۱۴۰۱ / ۲ / ۲۰  
ساعت امتحان: ۱۵: ۹ صبح / عصر  
مدت امتحان: ۶۰ دقیقه

سؤالات	ن.ب
متن زیر را با استفاده از واژه‌های داخل کمانک کامل کن . ( یک واژه اضافی است ) [ زاهد . پول . کالایی . مجانی . گران . صاحب . زاهد ] زاهدی که بیشتر مردم او را می‌شناختند ، به بازار رفت تا ..... بخرد . فروشنده به ..... دکان گفت : این مرد انسان ..... و پرهیزگاری است . کالایت را به او ..... بفروش ! ..... عصبانی شد و گفت : من آمده‌ام با ..... کالایی بخرم ، نه با زهد و تقوایم !	۱
شکل گفتاری واژه‌های زیر را بنویس . الف ( بیاورد :                      ب ( می‌دانست :                      ج ( می‌گوییم :                      د ( می‌روند :	۲
آیا تا به حال فکر کرده‌ای اگر " نوشتن " نباشد ، چه اتفاقی می‌افتد ؟ ۳ سطر بنویسید .	۳
کلمه‌های به هم ریخته زیر را مرتب کن . الف ( کودکی - گذرانده - در - دوران - را - خود - محله‌ی - بود - خود - کوچه‌های - خرمشاه - او ب ( شیشه‌ها - را - برف - می‌شست - باران - و - آن روز	۴
با هر یک از کلمات زیر یک جمله بساز . الف ( درود : ب ( دو رود :	۵





اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران  
اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۵ تهران

پیش دبستان و دبستان غیر دولتی دخترانه  
**کلید** سؤالات ارزشیابی عملکردی نوبت دوم سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

**نیرسش**

نام درس: املا

نام دبیر: خانم آرزو بابایی

تاریخ امتحان: ۱۴۰۱/۲/۲۰

ساعت امتحان: ۹:۱۵ صبح / عصر

مدت امتحان: ۴۰ دقیقه

ردیف	راهنمای تصحیح	محل مهر یا امضاء مدیر
۱	{ کالایی . صاحب . زاهد . مجانی . زاهد . پول }	
۲	بیاره / میدونه / می گیم / میرن	
۳	به عهده دانش آموز	
۴	الف ) او دوران کودکی خود را در کوچه های محله ی خرمشاه گذرانده بود . ب ) آن روز باران و برف شیشه ها را شست .	
۵	الف ) سلام و درود خداوند بر تمامی انسان های پاک باد . ب ) در روستای ما دو رود در جنگل از کنار یکدیگر عبور می کنند .	
۶	متن املاء : طفلی بسیار خرما می خورد . مادرش او را نزد پیامبر برد و گفت : به این طفل بفرمایید خرما نخورد . " پیامبر فرمود : " امروز برو و فردا باز آی . " روز دیگر ، زن باز آمد . حضرت با مهربانی به کودک فرمود : " خرما نخور . " زن گفت : یا رسول الله چرا دیروز به او نفرمودید ؟ پیامبر فرمود : " دیروز خودم خرما خورده بودم ، حرفم در او تاثیر نداشت . " رطب خورده ، منع رطب کی کند !؟	
نام و نام خانوادگی مصحح :		امضاء: